

سورہ مبارکہ طہ

سورہ مبارکہ طہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

طه ﴿۱﴾

طه

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بيفکنی!

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٣﴾

آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می‌ترسند نازل ساختیم.

تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾

(این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است.

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿٥﴾

همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است.

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا
تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾

از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک
(پنهان) است!

وَإِنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾

اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار- و حتی پنهان تر از آن- را نیز می داند!

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿٨﴾

او خداوندی است که معبودی جز او نیست؛ و نامهای نیکوتر از آن اوست!

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾

و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي
آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَىٰ النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾

هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «(اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم!»

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ﴿١١﴾

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی!

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ
طَوًى ﴿١٢﴾

من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدّس «طوی» هستی!

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿١٣﴾

و من تورا (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می شود،
گوش فراده!

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

(۱۴)

من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا پرست، و نماز را برای یاد من بپادار!

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ
بِمَا تَسْعَى ﴿١٥﴾

بطور قطع رستاخیز خواهد آمد! می خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و
کوشش خود، جزا داده شود!

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
فَتَرَدَى ﴿١٦﴾

پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند، تو را از آن
بازدارد؛ که هلاک خواهی شد!

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿١٧﴾

و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟!

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَ
لِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَى ﴿١٨﴾

گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم
فرومی‌ریزم؛ و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است.»

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى ﴿١٩﴾

گفت: «ای موسی! آن را بیفکن.»

فَالْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى ﴿٢٠﴾

پس موسی آن (عصا) را افکند، که ناگهان ازدهایی شد که به هر سو می شتافت.

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿٢١﴾

گفت: «آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش باز می گردانیم.»

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ
سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ﴿٢٢﴾

و دستت را به گریبانانت ببر، تا سفید و بی عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است.

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿٢٣﴾

تا از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم.

اَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾

اینک به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.»

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾

(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾

و کارم را برایم آسان گردان!

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٢٧﴾

و گره از زبانم بگشای؛

يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾

تا سخنان مرا بفهمند!

وَاجْعَلْ لِي وِزيراً مِنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾

و وزیرى از خاندانم برای من قرار ده...

هَارُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾

برادرم هارون را!

اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٣١﴾

با او پشتم را محکم کن؛

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾

و او را در کارم شریک ساز؛

کَي نُسَبِّحَكَ كَثِيراً ﴿۳۳﴾

تا تو را بسیار تسبیح گوئیم؛

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾

و تو را بسیار یاد کنیم؛

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای!

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ﴿٣٦﴾

فرمود: «ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد!»

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾

و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم...

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّلِّكَ مَا يُوْحَىٰ ﴿٣٨﴾

آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم...

أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ
بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ
مَحْبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي ﴿٣٩﴾

که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند؛
و دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد!» و من محبتی از خودم بر تو افکندم، تا در برابر
دیدگان [علم] من، ساخته شوی (و پرورش یابی)!

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن
يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا
تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را
به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!»
پس تو را به مادرت بازگردانیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو
یکی (از فرعونیان) را کشتی؛

فَنَجِّينَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي
أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَى ﴿٤٠﴾

اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم
«مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای
موسی!

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾

و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم)!

اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾

(اکنون) تو و برادرت با آیات من بروید، و دریاد من کوتاهی نکنید!

اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾

بسوی فرعون بروید؛ که طغیان کرده است!

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّیْنَا لَعَلَّهُ یَتَذَكَّرُ أَوْ یَخْشَى ﴿۴۴﴾

اما بنرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!

قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى ﴿٤٥﴾

(موسی و هارون) گفتند: «پروردگارا! از این می ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد)؛ یا طغیان کند (و نپذیرد)!»

قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿٤٦﴾

فرمود: «نترسید! من با شما هستم؛ (همه چیز را) می شنوم و می بینم!

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى
مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴿٤٧﴾

به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با
ما بفرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت
برای تو آورده‌ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند!

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٤٨﴾

به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و
سرپیچی نماید!

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى ﴿٤٩﴾

(فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!»

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿٥٠﴾

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او
بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!»

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿٥١﴾

گفت: «پس تکلیف نسلهای گذشته (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!»

قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا
يَنْسَى ﴿٥٢﴾

گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است؛ پروردگارم هرگز گمراه
نمی‌شود، و فراموش نمی‌کند (و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می‌دهد)!

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا
 سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ
 نَبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾

همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راههایی در
 آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد! « که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از
 خاک تیره) برآوردیم.

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي
النُّهَى ﴿٥٤﴾

هم خودتان بخورید؛ و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! مسلماً در اینها
نشانه‌های روشنی برای خردمندان است!

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ
تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾

ما شما را از آن [زمین] آفریدیم؛ و در آن باز می گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت)
شما را از آن بیرون می آوریم!

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿٥٦﴾

ما همه آیات خود را به او نشان دادیم؛ اما او تکذیب کرد و سرباز زد!

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾

گفت: «ای موسی! آیا آمده‌ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟!»

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا
لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾

قطعاً ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون (تاریخش را تعیین کن، و) موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلف نکنیم؛ آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾

گفت: «میعاد ما و شما روز زینت [روز عید] است؛ به شرط اینکه همه مردم، هنگامی که روز، بالا می آید، جمع شوند!»

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿٦٠﴾

فرعون آن مجلس را ترک گفت؛ و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد؛ و سپس همه را (در روز موعود) آورد.

قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى ﴿٦١﴾

موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی نابود می‌سازد! و هر کس که (بر خدا) دروغ ببندد، نومید (و شکست خورده) می‌شود!»

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى ﴿٦٢﴾

آنها در میان خود، در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند؛ و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند.



قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ
أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلٰى ﴿٦٣﴾

**گفتند: «این دو (نفر) مسلماً ساحرند! می خواهند با سحرشان شما را از
سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند!**

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ
اسْتَعْلَى ﴿٦٤﴾

اکنون که چنین است، تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید، و در یک صف (به میدان
مبارزه) بیایید؛ امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند!

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ
أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾

(ساحران) گفتند: «ای موسی! آیا تو اول (عصای خود را) می افکنی، یا ما
کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!»



قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ
سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ﴿٦٦﴾

**گفت: «شما اول بیفکنید!» در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر
سحرشان چنان به نظر می رسید که حرکت می کند!**

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾

موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد (مبادا مردم گمراه شوند)!

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾

گفتیم: «نترس! تو مسلماً (پیروز و) برتری!

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾

و آنچه را در دست راست داری بیفکن ، تمام آنچه را ساخته اند می بلعد ! آنچه ساخته اند تنها مکر ساحر است ؛ و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد !»

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ

مُوسَى ﴿٧٠﴾

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید.) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!»

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ
الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

(فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً او بزرگ
شماست که به شما سحر آموخته است!

فَلَا تُقِطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ
 لَا تُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلْتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدُّ
 عَذَاباً وَأَبْقَى ﴿٧١﴾

به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می‌کنم؛ و شما را از تنه‌های نخل به
 دار می‌آویزم؛ و خواهید دانست مجازات کدام یک از ما دردناک‌تر و پایدارتر است!

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي
فَطَرْنَا فَاَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾

گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای
ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می خواهی بکن؛ تو تنها در این
زندگی دنیا می توانی حکم کنی!

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ
 مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل
 کردی ببخشاید؛ و خدا بهترو پایدارتر است!

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا
وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾

هر کس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛
در آن جا، نه می میرد و نه زندگی می کند!

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ
الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾

و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی
درجات عالی دارند...

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ
ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

باغهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی
که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید!

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ
طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٧﴾

ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانہ بندگانم را (از مصر) با خود ببر؛ و برای آنها
راہی خشک در دریا بگشا؛ کہ نہ از تعقیب (فرعونیان) خواہی ترسید، و نہ از غرق
شدن در دریا!»

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا
غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾

(به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کردند؛ و دریا آنان را (در میان
امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید!

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾

فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد!

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ
وَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمْ
الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ﴿٨٠﴾

ای بنی اسرائیل! ما شما را از چنگال دشمنتان نجات دادیم؛ و در طرف راست
کوه طور، با شما وعده گذاردیم؛ و «من» و «سلوی» بر شما نازل کردیم!

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ
عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ

هَوَىٰ ﴿٨١﴾

بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که
غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوب می‌کند!

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ

اهْتَدَى ﴿٨٢﴾

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت
شود، می‌آمرزم!

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى ﴿١٣﴾

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه
طور) عجله کنی؟!

قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ
لِتَرْضَى ﴿١٤﴾

عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از
من خشنود شوی!»

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ

السَّامِرِيُّ ﴿١٥﴾

فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!»

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ
يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم
من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟!»

أَفْطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ
غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ﴿١٦﴾

آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب
پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!»

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَاراً مِنْ
زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد...

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ
وَالَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾

و برای آنان مجسمه گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد؛ و (به یکدیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود)!

أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَ
لَا نَفْعًا ﴿١٩﴾

آیا نمی بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی دهد، و مالک هیچ
گونه سود و زیانی برای آنها نیست؟!

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ
وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِيَ ﴿٩٠﴾

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله مورد
آزمایش قرار گرفته‌اید! پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی
کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!»

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا

مُوسَى ﴿٩١﴾

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!»

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند...

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!»

قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَا تَأْخُذْ بِدِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ
تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! [ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم
بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!»

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!»

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾

گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در
نظرم جلوه داد!»

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ
لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ
عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگوئی «با من تماس نگیر!» و تو میعادى (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی! و بین ما آن را نخست می سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم!

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ
عِلْمًا ﴿٩٨﴾

معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست؛ و علم او همه چیز
را فرا گرفته است!

كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ
اَتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می‌کنیم؛ و ما از نزد خود، ذکر
(و قرآنی) به تو دادیم!

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾

هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسؤولیت) بر
دوش خواهد داشت!

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و بد باری است برای آنها در روز
قیامت!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ
زُرْقًا ﴿١٠٢﴾

همان روزی که در «صور» دمیده می شود؛ و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن
روز جمع می کنیم!

كَيْتَخَافُتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾

آنها آهسته با هم گفتگو می کنند؛ (بعضی می گویند:) شما فقط ده (شبانۀ روز در عالم برزخ) توقّف کردید! (و نمی دانند چقدر طولانی بوده است!)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ
لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾

ما به آنچه آنها می گویند آگاه‌تریم، هنگامی که نیک‌روش‌ترین آنها می گوید:
«شما تنها یک روز درنگ کردید!»

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾

و از تو درباره کوه‌ها سؤال می‌کنند؛ بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشی کرده)
برباد می‌دهد!

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾

سپس زمین را صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می سازد...

لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾

به گونه‌ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی!

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ
لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾

در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت
او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی خیزند)؛ و همه صداها در برابر
(عظمت) خداوند رحمان، خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی
نمی شنوی!

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ
رَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان
به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ
عِلْمًا ﴿١١٠﴾

آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته اند می داند؛ ولی
آنها به (علم) او احاطه ندارند!

وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ
ظُلْمًا ﴿۱۱۱﴾

و (در آن روز) همه چهره‌ها در برابر خداوند حیّ قیوم، خاضع می‌شود؛ و
مأیوس (و زیانکار) است آن که بار ستمی بردوش دارد!

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ
ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾

(اَمَّا) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از
ظلمی می ترسد، و نه از نقصان حقش.

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ
الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و
انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند؛ یا برای آنان تذکری پدید
آورد!

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾

پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است! پس نسبت به (تلاوت)
 قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود؛ و بگو: «پروردگارا! علم
 مرا افزون کن!»

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ
عَزْماً ﴿١١٥﴾

پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما او فراموش کرد؛ و عزم استواری
برای او نیافتیم!

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
أَبَى ﴿١١٦﴾

و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی
سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد)!

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا
يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾

پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسرتوست! مبادا
شما را از بهشت بیرون کند؛ که به زحمت و رنج خواهی افتاد!

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١١٨﴾

(اما تو در بهشت راحت هستی! و مزیتش) برای تو این است که در آن گرسنه و
برهنه نخواهی شد؛

وَأَنْتَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ ﴿١١٩﴾

و در آن تشنه نمی شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد!

فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى
شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ﴿١٢٠﴾

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت
زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟!»



فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا مَخْصِفَانِ
عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٢١﴾

سرانجام هردو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت،) و عورتشان
آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه
دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد!

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾

سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش نمود.



قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعاً بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا
يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا
يَشْقَى ﴿١٢٣﴾

(خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود، و نه در رنج خواهد بود!

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ
نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و
روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم!»

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

می‌گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محشورم کردی؟! من که بینا بودم!»

قَالَ كَذِبِكَ أَنتَ أَتَانَا فَنَسِيْتُهَا وَكَذِبِكَ الْيَوْمَ

تُنْسِي ﴿١٢٦﴾

می فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!»

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ
لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾

و این گونه جزا می دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان
نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است!

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي
النُّبُوَّةِ ﴿١٢٨﴾

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، و اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می‌روند! مسلماً در این امر، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است.

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَاماً وَأَجَلٌ

مُسَمًّى ﴿۱۲۹﴾

و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود، عذاب الهی بزودی
دامان آنان را می گرفت!

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ
أَطْرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿١٣٠﴾

پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب
آن؛ تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور؛ و همچنین (برخی) از ساعات شب
و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛ باشد که (از الطاف الهی) خشنود
شوی!

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ
 زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ
 أَبْقَى ﴿١٣١﴾

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم،
 میفکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی
 پروردگارت به‌ترو پایداتر است!

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ
رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿١٣٢﴾

خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و برانجام آن شکیبا باش! از تو روزی
نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست!

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا
فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٣٣﴾

**گفتند: «چرا (پیامبر) معجزه و نشانه‌ای از سوی پروردگارش برای ما
نمی‌آورد؟! (بگو:) آیا خبرهای روشنی که در کتابهای (آسمانی) نخستین
بوده، برای آنها نیامد؟!»**

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا
 أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ
 نَخْزَى ﴿١٣٤﴾

اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در
 قیامت) می گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو
 پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم!»

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ
الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿١٣٥﴾

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!

صدق الله العلي العظيم